

روایت

از حسرت بازی در آزادی تادلزهای آدیداس در بغداد

کابلدشکافی عقب ماندگی ساختاری از همسایه جنوبی

روزگاری نه چندان دور، پوشیدن پیراهن تیم‌های ایرانی و بازی در ورزشگاه آزادی، رؤیای طلایی ستارگان فوتبال عراق بود؛ نام‌هایی چون کرار جاسم، عماد رضا و هوار ملامحمد با حضور در ایران به شهرت و ثروت رسیدند. اما امروز ورق کاملاً برگشته است. فوتبال ایران با یک «مهاجرت معکوس» مواجه شده که در آن، موج فرزانده‌ای از بازیکنان، مربیان و مدیران آکادمی‌های ایرانی در حال عبور از مرزها به سمت غرب هستند؛ پدیده‌ای تلخ که زنگ خطری جدی را برای ساختار فرسوده فوتبال ایران به صدا درآورده است. آمارها گویای واقعیتی تلخ هستند. لیگ عراق این روزها به مقصد محبوب برای لژیونرهای ایرانی تبدیل شده است. حضور بازیکنانی مانند عقیل کعبی و ابوالفضل پورشیخ تنها بخشی از این ماجراست. در تازه‌ترین تحولات، یحیی گل محمدی، سرمربی پرافتخار ایران، هدایت دھوک عراق را بر عهده گرفته و در نخستین اقدام، سینا اسدبیگی و محمدرضا سلیمانی را جذب کرده است. پیش از او علیرضا منصوریان روی نیمکت طلبه نشست به یاد و اکنون نادر عزت‌اللهی در آستانه امضای قرارداد برای هدایت آکادمی یک باشگاه عراقی است؛ روندی که با ابراز تمایل باشگاه‌های عراقی به سعید دقفی کماکان ادامه دارد.

راز این کشش مغناطیسی، حضور اسپانسرهای معتبر بین‌المللی و بازوهای مالی قدرتمند در فوتبال عراق است. در حالی که باشگاه‌های ایرانی به دلیل سوءمدیریت از جذب حامیان مالی ناتوان هستند، برندهایی مانند آدیداس به عنوان اسپانسر رسمی توپ مسابقات لیگ ستارگان عراق فعالیت می‌کنند. تیم‌های مطرحی مانند الکرمه عراق، الشرطه و الزورا با حمایت شرکت‌های بزرگ اماراتی، قطری و غول‌های مخابراتی منطقه نظیر زین عراق و آسیاسل، بودجه‌های کلانی را برای جذب ستارگان خارجی به اختیار دارند. در مقابل، لیگ ایران با بحران شدید اسپانسر مواجه است و قدرت رقابت مالی خود را از دست داده است.

اما ریشه اصلی این مهاجرت را باید در تفاوت فاحش زیرساخت‌ها جست. در روزهایی که ورزشگاه‌های ایران وضعیتی نامناسبی دارند، استادیوم‌های پرزرق و برق عراق چشم‌نوازی می‌کنند. ورزشگاه بین‌المللی ۶۵ هزار نفری بصره با آخرین استانداردهای فیفا، ورزشگاه ۱۷ هزار نفری الزورا با چمن هبیریدی ایتالیایی و سیستم روشنایی پیشرفته در بغداد و ورزشگاه مدینة الزورا، همگی نشان از عزم جدی عراق برای حرفه‌ای‌سازی دارند. زمین‌های چمن لیگ عراق کیفیت بهتری نسبت به چمن‌های ناهموار و مخروبه ایران دارند و حتی شرکت‌های ایرانی در ساخت برخی از این ورزشگاه‌ها نقش داشته‌اند، در حالی که در داخل کشور با چالش شدید سخت‌افزاری روبرو هستیم. از نظر اقتصادی نیز ارزش بازار لیگ ستارگان عراق با رشدی چشمگیر از ۶۳ میلیون دلار به ۹۳ میلیون دلار رسیده و ارزش باشگاه‌های آن ۲۰ درصد رشد داشته است؛ جایی که پرداخت قراردادهای بالای ۵۰۰ هزار دلار به ستاره‌های ایرانی به امری عادی تبدیل شده است. مضاف بر این، پروژه همکاری استراتژیک لیگ عراق با لالیگا اسپانیا در زمینه‌های بازاریابی، آموزش دیجیتال و مدیریت تجاری، در کنار تأسیس انجمن لیگ حرفه‌ای عراق در سال ۲۰۲۳، سرعت اصلاح ساختارها را در این کشور چندبرابر کرده است.

کوچ معکوس اهالی فوتبال ایران به عراق، نشان‌دهنده یک عقب‌ماندگی تاریخی است. وقتی سرمایه‌های فنی ما در داخل نادیده گرفته می‌شوند اما در عراق به کار گرفته می‌شوند، یعنی قطب فوتبال منطقه در حال تغییر است. اگر امروز فکری به حال جذب اسپانسر، بهبود زیرساخت‌ها و نگاه حرفه‌ای به فوتبال نکنیم، تا چند سال آینده عراق نه تنها در اقتصاد فوتبال، بلکه درون زمین بازی نیز از ما عبور خواهد کرد. ما کماکان به گذشته دلخوش کرده‌ایم، در حالی که همسایه جنوبی با برنامه‌ریزی، آینده را می‌سازد.

سوزه

حضور شهرداری ساوه و پردیس قزوین در هاله‌ای از ابهام

سازمان لیگ ضرب‌الاجل تعیین کرد

بازدیدک شدن به آغاز فصل جدید لیگ برتر فوتسال، ۱۴ باشگاه خود را برای حضور در این رقابت‌ها آماده کرده و به‌تدریج نقل و انتقالاتی آغاز کرده و تمرینات آماده‌سازی را پیگیری می‌کنند. وضعیت دو باشگاه شهرداری ساوه و پردیس قزوین همچنان نامشخص است. رزمه‌های مبنی بر انحلال یا واگذاری این دو تیم به گوش می‌رسد که نگرانی‌هایی را در جامعه فوتسال ایجاد کرده است. سازمان لیگ فوتسال برای تعیین تکلیف نهایی این دو باشگاه و اطمینان از حضور تمامی تیم‌ها در فصل جدید، ضرب‌الاجلی را تعیین کرده است. براین اساس، تیم‌های شهرداری ساوه و پردیس قزوین تا پنجم مرداد ماه فرصت دارند تا لیست کادرفنی و بازیکنان خود را به سازمان لیگ اعلام کنند. در صورت عدم رعایت این مهلت، مطابق با آیین‌نامه مسابقات، این دو تیم از گردونه رقابت‌ها کنار گذاشته شده و سازمان لیگ نسبت به معرفی تیم‌های جایگزین اقدام خواهد کرد.

فصل جدید لیگ برتر فوتسال از ۲۵ مرداد ماه آغاز خواهد شد. تیم‌های دلسوخ‌خان قم، داتم پناه مشهد و نکین تندیس قرچک به عنوان تیم‌های جدید در این فصل حضور خواهند داشت. کبیتی پسند اسفهان نیز بمدافع عنوان قهرمانی این رقابت‌ها محسوب می‌شود و به دنبال تکرار موفقیت‌های خود در فصل جدید است.

گزارش یک

محمدرضا رحیم‌پور

خبرنگار

فوتبال ایران این روزها با یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین پرونده‌های سال‌های اخیر روبه‌رو شده است؛ پرونده‌ای که اگر به همین شکل ادامه پیدا کند، نه تنها یک نماینده ایران از حضور در لیگ قهرمانان آسیا ۲ بازخواهد ماند، بلکه ممکن است کل سهمیه فوتبال ایران در این رقابت‌ها از بین برود.

ماجرا از جایی آغاز شد که پس از پایان فصل، باشگاه گل گهر سیرجان بر اساس جدول فریز شده لیگ برتر به عنوان نماینده ایران در لیگ قهرمانان آسیا ۲ شناخته شد؛ همان مبنایی که برای تعیین سایر سهمیه‌های آسیایی نیز مورد استفاده قرار گرفته و به تأیید هیأت رئیسه فدراسیون نیز رسیده بود اما در ادامه، تصمیم فدراسیون فوتبال برای برگزاری تورنمنتی سه‌جانبه به منظور تعیین نماینده سوم، شرایط را وارد مرحله‌ای مهیم کرد.

در نهایت، باشگاه چادرملو اردکان پس از پیروزی در این رقابت سه‌جانبه، توانست روی کاغذ سهمیه آسیا را به دست آورد اما کار از کار گذشته بود چون هدایت ممبینی در نامه‌ای گل گهر را به آسیا به عنوان نماینده معرفی کرده بود و در ایران حضور نداشت تا اصلاحیه برای آسیا ارسال کند. این اقدام با اعتراض چادرملو همراه شد؛ اعتراضی که در نهایت به انصراف رسمی باشگاه گل گهر از حضور در لیگ قهرمانان آسیا ۲ منتهی شد.

حواشی «هدایت گیت» تمام شدنی نیست

خطر حذف از لیگ قهرمانان بیخ گوش ایران

نکته قابل توجه آن است که گل گهر در نامه رسمی خود تأکید کرده اعتراضش متوجه باشگاه چادرملو نیست، بلکه به روند تعیین سهمیه آسیایی بازمی‌گردد. این باشگاه حتی اعلام کرده است که اگر عدم حضورش موجب آسیب به منافع ملی و جایگاه فوتبال ایران در آسیا شود، آمادگی دارد در تصمیم خود تجدیدنظر کند.

اما آنچه این پرونده را به یک بحران واقعی تبدیل کرده، مقررات کنفدراسیون فوتبال آسیاست.

بررسی مقررات رسمی AFC نشان می‌دهد برخلاف برخی تصورها، در صورت انصراف یک باشگاه، هیچ حق خودکاری برای معرفی تیم جایگزین از همان کشور وجود ندارد. مطابق ماده ۵.۵ مقررات لیگ قهرمانان آسیا ۲، اگر باشگاهی از حضور در مسابقات انصراف دهد، اصل بر این است که رقابت‌ها بدون جایگزین ادامه می‌کند، مگر آنکه دبیرخانه AFC پیشنهاد دیگری ارائه کند و کمیته مسابقات AFC با آن موافقت کند.

به عبارت دیگر، تصمیم‌گیری درباره جایگزینی باشگاه انصراف‌دهنده کاملاً در اختیار AFC قرار دارد و این کنفدراسیون هیچ الزامی برای پذیرش نماینده دیگری از همان کشور ندارد. همین موضوع، نگرانی‌ها درباره آینده سهمیه ایران را افزایش داده است. از سوی دیگر، مقررات ورود باشگاه‌ها به رقابت‌های آسیایی نیز تأکید می‌کند که هر فدراسیون باید نمایندگان خود را در مهلت‌های تعیین‌شده به AFC معرفی کند. این مهلت برای آسیا ارسال است. این اقدام با (۱۰ خرداد ۱۴۰۵) تعیین شده بود و هرگونه تغییر پس از آن، صرفاً با تصمیم AFC امکان‌پذیر است.



بررسی مقررات

رسمی AFC

نشان می‌دهد

برخلاف برخی

تصورها، در

صورت انصراف

یک باشگاه،

هیچ حق

خودکاری برای

معرفی تیم

جایگزین از

همان کشور

وجود ندارد.

مطابق ماده ۵.۵

مقررات لیگ

قهرمانان آسیا

۲. اگر باشگاهی

از حضور در

مسابقات

انصراف دهد،

اصل بر این

است که

رقابت‌ها بدون

جایگزین ادامه

پیدا می‌کند

پرونده ایران از منظر حقوقی پیچیده‌تر نیز خواهد شد؛ زیرا AFC معمولاً بر رعایت دقیق مهلت‌های ثبت و معرفی نمایندگان تأکید دارد و پس از پایان این مهلت، الزامی برای پذیرش تغییرات جدید ندارد.

برخلاف برخی گزارش‌ها نیز از احتمال واگذاری جایگاه خالی ایران به نماینده‌ای از هند خبر داده‌اند. هرچند تاکنون هیچ اعلام رسمی از سوی AFC در این خصوص منتشر نشده، اما مقررات این کنفدراسیون اختیار تصمیم‌گیری درباره نحوه تکمیل جدول مسابقات را به کمیته

مسابقات داده است. بنابراین اگر AFC به این جمع‌بندی برسد که جایگاه خالی ایران باید از طریق سازوکار سهمیه‌بندی با کشور دیگری تکمیل شود، از منظر حقوقی امکان اتخاذ چنین تصمیمی وجود دارد.

این انتقاد، در صورت وقوع، تنها به معنای از دست رفتن یک سهمیه نخواهد بود؛ بلکه می‌تواند بر ضرب باشگاهی فوتبال ایران در سال‌های آینده نیز تأثیر منفی بگذارد. تجربه باشگاه موهون باگان هند نیز نشان داد که انصراف از رقابت‌های آسیایی می‌تواند پیامدهای انضباطی و



ایران ورزشی

اعتباری قابل توجهی برای فوتبال یک کشور به همراه داشته باشد. شاید این پرونده در نهایت با بازگشت گل گهر، پذیرش چادرملو یا حتی تصمیم دیگری از سوی AFC به پایان برسد، اما یک واقعیت را نمی‌توان انکار کرد؛ سهمیه‌های آسیایی سرمایه فوتبال ایران هستند و کوچکترین اختلاف، تأخیر یا بی‌برنامگی در مدیریت آنها می‌تواند هزینه‌ای بسیار سنگین برای فوتبال کشور به همراه داشته باشد؛ هزینه‌ای که جبران آن شاید سال‌ها زمان ببرد.

دوئل مخالفان و موافقان برای تعیین تکلیف نیمکت تیم ملی در هیات رئیسه

جنگ سرد



ایران ورزشی

درباره ارزیابی کارنامه تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶ و نحوه تمدید قرارداد سرمربی، نشان می‌دهد که مستطیل سبز ایران نه تنها در زمین مسابقات، بلکه در اتاق فرمان خود نیز دچار یک سردرگمی و انشقاق ساختاری شده است.

یک تورنمنت و دو عینک متفاوت

جرقه این جنگ رسانه‌ای درست دو روز پس از پایان کار یوزها در جام جهانی ۲۰۲۶ زده شد؛ جایی که فریادهای شجاعتی، عضو هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال، در مصاحبه‌ای

برای فریب افکار عمومی می‌دانند که روزنامه ایران ورزشی پیش‌تر در گزارشی به آن پرداخته بوده بود. از نظر این طیف، کسب تنها سه امتیاز با وجود در اختیار داشتن نسلی پراز ستاره و تداوم حسرت صعود برای هفتمین دوره متوالی، به هیچ عنوان قابل دفاع نیست و ساختار بازی تیم ملی در قاره آمریکا، آینده‌تمام‌نمای عقب‌ماندگی تاکتیکی نیمکت ایران بوده است. آنها معتقدند جراحی غده‌های چرکینی است که فوتبال ملی را به بن‌بست رسانده است. اما ابعاد این شکاف زمانی از کنترل خارج شد که بحث تمدید قرارداد امیرقلعه‌نویی به میان آمد. در حالی که راهروهای فدراسیون از نهای‌ی شدن توافقات پنهانی با سرمربی تیم ملی حکایت داشتند و حتی مهدی تاج رسماً خبر تمدید قرارداد قلعه‌نویی را رسانه‌ای کرده بود، حجت کریمی، دیگر عضو پرنفوذ هیأت رئیسه، با مواضعی قاطع و انتحاری، آب پاکی را روی دست مدیران ریخت. کریمی صراحتاً اعلام کرد که هیچ جلسه رسمی در هیأت رئیسه برای بررسی انشای قلعه‌نویی برگزار نشده است.

کارت برنده‌ای که کریمی در این تقابل رو کرد، استاندارد صریح به‌بند ۱۱ ماده ۳۵ اساسنامه فدراسیون فوتبال بود. براس این قانون، هرگونه انتخاب، تمدید یا عزل مربیان تیم‌های ملی باید حتماً در جلسه رسمی هیأت رئیسه مطرح و به تصویب اکثریت اعضا برسد؛ در غیر این صورت، هرگونه توافق با سرمربی فاقد وجهات قانونی و در حکم تخلف اداری خواهد بود.

گزارش‌های مکرر رسانه‌های تخصصی از جمله «ایران ورزشی»، خط‌کشی‌های جدید و آرایش جنگی اعضای هیأت رئیسه را به وضوح نمایان می‌سازد. در حال

حاضر فدراسیون به دو جبهه کاملاً متضاد تقسیم شده است، جبهه اول به نمایندگی فریده شجاعی و حامیان‌ش، رویکردی کاملاً محافظه‌کارانه و مداراگرایانه نسبت به وضع موجود دارد. این گروه تمایل شدیدی به حفظ ثبات روی نیمکت دارد و احتمالاً پیش از این، چراغ سبز خود را به صورت غیررسمی برای تمدید قرارداد قلعه‌نویی نشان داده است. در نقطه مقابل، جبهه دوم به رهبری حجت کریمی قرار دارد که پرچم قانونگرایی و حفظ شان نظارتی هیأت رئیسه را بالا برده است. این جبهه قاطعانه مأموریت خود را مقابل به فرآیندهای غیرشفاف و تصمیمات دیکته‌شده قرار داده و اصرار دارد که آینده فنی فوتبال ایران نباید بدون شفافیت قانونی و فیلتر کارشناسی هیأت رئیسه تعیین تکلیف شود.

واقعیت عریان این است که اختلافات در فدراسیون فوتبال از حد یک بحث کارشناسی ساده عبور کرده و به یک دوگانگی استراتژیک و هویتی تبدیل شده است. این از هم‌کسیختگی مدیریتی در شرایطی علنی می‌شود که فوتبال ایران پس از شوک جام جهانی، به آرامش، بازسازی ساختاری و برنامه‌ریزی فوری برای مسابقات پیش‌رو نیاز دارد.

با توجه به مواضع تند طرفین، بعید به نظر می‌رسد که این شکاف به این زودی‌ها ترمیم شود. برنده این جنگ قدرت، آینده تاکتیکی و مدیریتی فوتبال ایران را برای سال‌های آینده ترسیم خواهد کرد. اما ترکش‌های این صندلی بازی و لابی‌های فرساینده، پیش از هر کس، پیکر نیمه‌جان فوتبال ملی را پاره‌پاره خواهد کرد؛ تیمی که روی زمین چمن به تاکتیک مدرن نیاز دارد، اما در پشت صحنه، اسیر بازی‌های سیاسی و مدیریتی مدیران خویش شده است.



حال نوبت فدراسیون فوتبال و شخص امیر قلعه‌نویی است که ماتریکس توجیه خارج شوند. جام‌هلت‌های عربستان در یک قدمی است و اگر کادر فنی کماکان بخواهد نقدهای منصفانه را با یکوت کند و واقعیت عریان این روزهای تیم ملی را نبیند، طلسم ناکاهی‌های فوتبال ایران نه تنها شکسته نخواهد شد، بلکه این تفکر توجیه‌گر، یک نسل مستعد دیگر را هم در پیچ‌وخم مدیریت سنتی خود خواهد سوزاند. اصلاحات، همین امروز و با پذیرش حرف‌های کاپیتان آغاز می‌شود! اگر کوشی برای شنیدن باشد و عزمی برای تغییر وجود داشته باشد. آینده فوتبال ایران در گرو این تصمیمات است.

که جهان‌بخش آن را پایه‌گذاری کرد در بدنه تیم ملی و فدراسیون تکثیر نشود، ما همین کادر فنی و همین دست‌فرمان، به سمت یک فاجعه تاکتیکی بزرگ‌تر در جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ در عربستان حرکت خواهیم کرد و فرصت‌های بی‌شماری را از دست خواهیم داد. بزرگ‌ترین دستاورد فوتبال ایران در جام جهانی ۲۰۲۶، نه سه امتیاز مساوی‌ها بود و نه رکوردهای کاغذی؛ بلکه همین یک جمله صادقانه علیرضا جهان‌بخش بود. او، نشان داد که برای نجات این فوتبال، ابتدا باید شجاعت نگاه کردن در آینده و اعتراف به شکست را داشت.